









پروگرام صلح برای قاره اروپا

این تصور از دو جنگ جهانی، تصور نماینده جنگ سوم جهانی بدون آنکه سلاح ذروی مورد استفاده قرار گیرد به چه قیمتی بر مردمان سراسر جهان تحمیل میگردد؟ محافل جنگ طلب در امریکا و اروپا در تباری سازش با ششوی نریم عظمت طلب چنین تلاشیهای تب آلودی مینمایند تا دقیقه تجاوز و جنگ غارت را تهیه دیده و در جنگ تباه کن دیگری بشریت را به تباهی امنیتی بکشانند تلاش و مبارزه شریفانه و انسان دوستانه بشریت منرفی اردوگاه جنگ و تجاوز و عقب نشینی ها و شکست های پیهمی مجبور نموده است و توسن سرکش و وحشی جنگ را مهار نموده و به وحشیگری های از تجاوز لگام زده اند.

تاریخ باثبات رسا نیده که صلح به خودی خود به دست نمی آید باید به خاطر صلح یافتن زندگی صلح آمیز مبارزه کرد.

تنها در زمانی صلح است که بشریت به راه حق و فارغ از هرگونه تجاوز و جنگ به ساختن زندگی صلح آمیز خویش ادامه می دهد.

مردمان سراسر جهان، زحمت کشان آسیا، افریقا و امریکای لاتین در کنار مردم زحمت کش قاره اروپا به صلح نیاز دارند تا در پرتو زندگی صلح آمیز به کار سازنده و انسانی خویش و فقا نه ادامه دهند.

کاو نده

همچنان قبل بر این، یعنی قبل از جنگ جهانی اول و مدت زمان بین دو جنگ جهانی استعمار دیگری نیز جریان داشتند که آتش آن توسط سرمایه داران و استیلانگران برافروخته شده بود که این جنگها در عصر کنونی به نام جنگهای محلی یاد میشود. استعمار محلی را غرب با استفاده از سلاحهای پیشرفته و خطرناک تجاوز می کرد و این جنگها را بر خلق های افریقا و آسیا تحمیل نمودند. جنگی که اضلاع متحده بیش از سی سال برویت نام تحمیل نمود، در عین زمان امریکا لیست های ایالات متحده امریکا این تجاوز و جنگ را بر علیه زحمت کشان کمپوچیا و لاوس توسعه داد که صلح و آرامش را در این منطقه جهان برهم زد و امنیت مردمان را مورد تهدید دائمی قرار دادند.

متجاوزین امریکایی هندوچین را بکارزار عمیات نظامی و به یک عرصه جنایت و آدم کشی مبدل نموده بودند و به اعتراف قوماندان نیروهای صلح ایالات متحده هزاران وحشیگر را به آتش افروزی برین منطقه برتاب گردید که در اثر آن همین اکنون سراسر اراضی این منطقه و در بسیاری مناطق شبه قاره هندوچین مناطق زیادی را غیر قابل زیست نموده است. مقدار این بمبها مساوی به مقدار مجموعی بمبها نیست که در طول جنگ دوم جهانی در اروپا به کار رفته است.

این موضوع کاملاً واضح و مبهرهن است که اگر سواستی بدین شکل در مقابل مردمان اروپا مطرح گردد که آسیا مردم اروپا به استقبال جنگ میروند؟ اکثریت قاطع آنها پاسخ خواهند داد که هرگز نه! چنین پاسخی از جانب مردمان اروپا به خصوص بازتاب از تجارب جنگ هاردین قاره است، چه مردم اروپا خوب میداند که جنگ یعنی چه؟ خانوارهای بی شماری جود دارند که مصایب جنگ را متحمل شده و خاطرات بس ناگواری از وحشیگریهای جنگ افروزان این آدمکشان حرفه ای دارند.

در سالهای بعد از جنگ جهانی اول، هنوز زخم های وارده جنگ التیام نیافته بود که امریکا لیسم در منش هتلی و فاشیسم ایتالیایی آتش جنگ دیگری را برافروختند که نه تنها اروپا، بلکه جهان را آتش این جنگ فرا گرفت. در جنگ جهانی دوم نه تنها انسانهای بی شماری بکاک و خون کشیده شدند بلکه آدابیهایی بزرگی از بین رفت که بشریت به خاطر ایجاد و تولید آنها دهها صدها سال زحمات فراوانی را متقبل گردیده بود.

سالهای جنگ برای اروپا و اروپائیان به مفهوم محدود و کلمه برای جهان و جهانیان به مفهوم وسیع کلمه سالهای دشوار و پر مشقتی بود.

از تیلی تایپ

آنزای خبرسانی و دیتا گزاش میدهد که سعی در براندختن یک کودتا در آن کشور ناکام گردید است.

گفته شده که روز ۲۵ جو تگروبی از نظامیان بر قصر ریاست جمهوری و حکومت در شهر نواک شوما حمله کردند.

قوماندان این گروه که زمانی عضویت کمیته نظامی بر سر اقتدار نجات ملی و دیتا را داشت و در تبعید بسر میبرد در اثر تبادل آتش کشته شده و معاولی وی دستگیر گردیده است.

گفته میشود که قوای مسلح و دیتا ناکون بر وضع و وضع در کشور کاملاً مسلط میباشد.

موریتانیا القرب را متهم نموده است که درین توطئه سهم داشته است.

...

جاسوسان سازمان مرکزی استخباراتی امریکایی، ای در صدسده صد علیه ساموئیل و سایر رهبران آن کشور بودند.

وزیر اطلاعات موزمبیق گفت: این توطئه سی، ای از طرف آن مامورین متعلق به این سازمان رهبری میشد که در جوات سفارت امریکا درم پوتو اجرای وظیفه میکردند.

...

مفسر خبری واشنگتن پست و سوسیت مینوسید که فسر فید امریکا با پاکستان در زمینه اعضای یک پیمان دفاعی جدید به مذاکره آغاز کرده است که هدف از آن تقویت حکومت نظامی در آن کشور میباشد.

واشنگتن کدو خاور میانه درصدد افزایش موجودیت نظامی خویش بوده و ادعا میکند که «منطقه منافع حیاتی» اش میباشد. تلاش میورد که در عوکی رژیم شاهسنگون شده ایران، پاکستان ربه زاندارم منطقه مبدل نماید.

امریکا اولین دسته عساکر خاص خود را به السلوادور فرستاد

مطبوعات امریکا گزارش میدهد که اولین دسته عساکر خاص ایالات متحده امریکا و السلوادور فرستاده شده است.

این دسته با ارتش السلوادور پیوسته و به عساکر تعلیمات ضد جنگ گریلایی خواهند آموخت.

این دسته بعیت بخشی از گروه نظامی (مشاورین) امریکایی است که واشنگتن آنها را برای کمک به شوروی نظامی فاشیستی حاکم السلوادور فرستاده است.

مردم سترقی بنگله دیش از دشمنان انقلاب افغانستان منتظر اند

جنگ اعلام نشده علیه افغانستان که از طرف نیروهای امریکاییستی برپا شده است باعث نگرانی و انزجار مردم سترقی بنگله دیش شده است.

روزنامه نوتون بنگله چاپ داکه مینوسید که این اقدامات تجاوزگرانه که از طرف واشنگتن و بیکنگ طراحی گردیده به معنای تشابه دیگری از نقشه های امریکا و چین برای تسلط بر منطقه آسیای جنوب غربی میباشد.

نقش نامطلوبی از طرف پاکستان که از قلمرو آن کشور دسته های ضد انقلابی به قلمرو افغانستان نفوذ میکنند نیز درین زمینه بازی میشود.

سناریوی یک مداخله نظامی

در قدم اول آنها از به اصطلاح «توطئه کمونیست» صحبت مینمایند که بوسیله کوبا، نیکاراگوا و اتحاد شوروی پشتیبانی میشود و این درحالیکه بهمه جهانیان روشن است که مردم السلوادور تقریباً باستان خالی برضد رژیم نظامی وابسته به امریکا مبارزه میکنند. این واقعیت را حتی فرستادگان روزنامه های بورژوازی غرب به صراحت اظهار میدارند.

در مرحله دوم جنرال هیک اعلام میکند که (فعالیت های کوباییه یک سطح عالی از تکامل خود رسیده است) و ادامه میدهد که باید این مشکل را در (نقطه) آن حل کرد. امریکا به این وسیله به کوبا تزهوشاد مداخله میدهد.

در مرحله سوم قوای بحری امریکا در نزدیکی جزایر کارابیب دست به مانور های نظامی میزنند و چنین معلوم میشود که امریکا در صدد محاصره این مناطق است.

در ارتباط به اوضاع داخلی السلوادور جنرال هیک وزیر خارجه امریکا اظهار میدهد که امریکا برای حفظ منافع خود درین کشور مداخله خواهد کرد اما جالبترین گزارشی که فرستاده وی آقای ورنان ولتر معاون رئیس سابق رسالت کدو سفرو خود نزد پونتو اظهار میدارد که امریکا به هیچ صورت امکان مداخله مستقیم را در السلوادور از نظر خود نمیدارد. امریکاییان ضرورت مداخله نظامی را در السلوادور به صورت علنی و روشن بیان میدارند و از همین حالات درکات لازم را می بینند چنانچه از همین حالا متخصصین نظامی خود را به آن کشور گسیل داشته اند. این مداخلات در شرایطی صورت میگیرد که تمام مایه های پارتیزان و گوشه خواران به اصطلاح مداخله تهاجم شوروی در پولند کر شده اند.

در حقیقت سناریوی مداخله امریکا روشن است:

کمون پاریس: حماسه عظیم تاریخی

۱۸ مارچ (۱۸۷۱)

(قسمت دوم)

اینست که انقلاب باید توانایی دفاع از خود را داشته باشد.

کمون پاریس پس از ۷۳ روز قهرمانانه در بیست و هشت ماه می سال ۱۸۷۱ سقوط کرد اما «خطر نیازان کمون را ۱۰۰۰ پروتاریای سراسر جهان بزرگ مینماید زیرا هدفیکه کمون در راه تحقق آن بیکار میکرد هدف محلی و ملی محدود نبود بلکه آزادی تمام جامعه ترغیخواه بشری، تمام تحقیرشدگان و توهین شدگان بود. کمون بعنوان مبارز پیشرو راه انقلاب اجتماعی در هر جاییکه پروتاریا رنج میرسد و بیکار میکرد مورد پشتیبانی و خواهی قرار گرفت. منظره زندگی و مرگ کمون تصویر دولت کارگری که پایتخت جهانی را تصرف در آورده بود و بیش از دوماه آنرا در دست خود داشت، منظره بیکار قهرمانانه پروتاریا و رنج های آن پس از شکست - روحیه ملیون ها کارگر را بالا برد. امید های آنانرا تجدید کرد و آنها را به سوسیالیسم علاقمند ساخت.

غرش توپ های پاریس عقب مانده ترین قشرهای پروتاریا را از خواب عمیق بیدار کرد و همه جموعی بجهت تقویت تبلیغات انقلابی گردید. بهین جهت ارمان کمون نمرده و تاکنون در قلب هر یک از ما زنده است. ارمان کمون و ارمان انقلاب اجتماعی آزادی کامل سیاسی و اقتصادی زحمتکشان، ارمان پروتاریای گیتی است. با چنین مفهوم ارمان کمون فنا ناپذیر است.

هشام

راکه «پروتاریا از فرمانروایی سیاسی خویش برای آن استفاده خواهد کرد، که تمام سرمایه را بکام از چنگ بورژوازی بیرون کشد و تمام افرای متعلق شده بصورت طبقه فرمانروا متمرکز سازد» ثابت نمود.

پروتاریای پاریس به درک این حقیقت تاریخی نایل گردیدند و نشان دادند که بدون تصرف قوت سیاسی خود و جامعه را نمیتوانند نجات دهند. و برای همین منظور بود که طبقه کارگری فرانسه در وجود کمون حاکمیت خویش را هدید و برای حفظ آن می جنگید.

سومین درس کمون به ویژه این مطلب را به ثبوت رساند «طبقه کارگری نمیتواند صرفاً بصرف ماشین دولتی حاضر و آماده بسنده کند و آنرا برای تحقق هدفهای خویش بکار اندازد» (پیشگفتار برای تجدید چاپ آخرین متن آلمانی مانیفست). درنامه به همگان آمده است که اقدام بعدی انقلاب فرانسه انتقال ماشین دیوان سالاری نظامی از دستی بدستی که تاکنون معمول بوده نیست بلکه در هم شکستن آنست» (درباره کمون پاریس).

چهارمین درس کمون پاریس اینست که ضرورت مرم تحکیم اتحاد طبقه کارگری با دهقانان و تمام زحمتکشان را نشان داد و برهن نمود که بهترین شرط «مبارزه پیروزیانه پروتاریا عبارت از جلب توده های بزرگ مردم به این مبارزه است».

پنجمین و بهترین درس کمون

اشتباهات کمون پاریس:

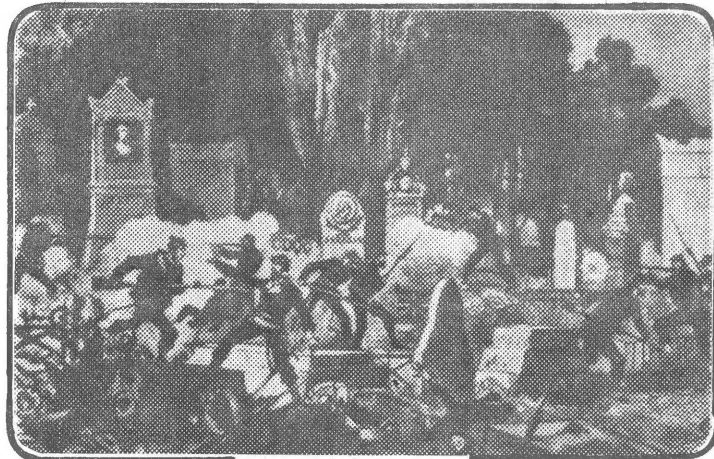
مؤلف نابغه اثر «دولت و انقلاب» دو اشتباه کمون پاریس را برجسته میسازد نخست اینکه طبقه کارگری «در زمینه مصادره اموال مصادره کنندگان در نتیجه راه متوقف ماند» و ثانیاً اینکه در برابر دشمن سفوت بیش از اندازه نشان داد و برای اقدامات جنگی علیه بورژوازی اهمیت جدی قایل نگردید.

یکی از نمونه های برجسته اشتباه اول کمون ها موضع گیری آنها در قبال بانک فرانسه است که متوجه نبودند دولت «تیر» را از گرفتن اعتبار از بانک محروم سازند و عملاً آنرا در شرایط دشوار تر قرار دهند و نمونه اشتباه دوم اینکه کمون ها بعد از قیام حالت انتظار را بخود گرفتند در حالیکه باید بورژوازی سرنگون شده تا به دروازه های ورسای تعقیب و سرانجام سرکوب میگرددند.

درس های کمون پاریس:

نخستین و مهمترین درس کمون پاریس ضرورت موجودیت یک حزب انقلابی است که با تیوری انقلابی مجرب و توانایی رسوخ اندیشه های انقلابی را در میان زحمتکشان داشته باشد و آنها را به حزب طبقه کارگری متشکل و مستحکم و وحدت ایدئولوژیکی، سیاسی و سازمانی حزب طبقه کارگری را در خالترین سطح آن بر آورده سازد.

دومین درس کمون ضرورت دیکتاتوری بپروتاریا برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی است. کمون این اندیشه



جنگ کمون ها در آرمگاه پر لاشز

و بر پایه آن در تیوری خود در مورد وظایف پروتاریا در برابر دولت تجدید نظر کنند. «جنگ داخلی در فرانسه» بازتاب تجربه کمون است که مؤلف آنرا بطرز درخشانی مورد تحلیل قرار داده است. بنیاد گذار سوسیالیسم علمی درین کتاب مینویسد: «قدرت دولتی پس از انقلاب سالهای ۱۸۴۸-۱۸۴۹ به افرای جنگ سرمایه علیه کار بدل میشود امپراطوری دوم این وضع را تثبیت میکند... کمون دست قبط مخالف این امپراطوری است، کمون شکل مشخص بود از آن جمهوری که می بایست نه تنها شکل پادشاهی فرمانروائی طبقاتی بلکه خود فرمانروایی طبقاتی را نیز براندازد...»

نخستین فرمان کمون انقلابی دایمی و گماشتن مردم مسلح بجای آن بود که کمون از نمایندگان شورای شهر که برای حق انتخاب همگانی در حوزه های مختلف پاریس انتخاب شده بود تشکیل میشد این نمایندگان افراد مسول و وایگو و هر زمان قابل عزل بودند.

درین اثر در مورد نقش پولیس و مقامات قضایی که کمون آنرا در کردار بیاده نموده آمده است که «پولیس که

و بر پایه آن در تیوری خود در مورد وظایف پروتاریا در برابر دولت تجدید نظر کنند. «جنگ داخلی در فرانسه» بازتاب تجربه کمون است که مؤلف آنرا بطرز درخشانی مورد تحلیل قرار داده است. بنیاد گذار سوسیالیسم علمی درین کتاب مینویسد: «قدرت دولتی پس از انقلاب سالهای ۱۸۴۸-۱۸۴۹ به افرای جنگ سرمایه علیه کار بدل میشود امپراطوری دوم این وضع را تثبیت میکند... کمون دست قبط مخالف این امپراطوری است، کمون شکل مشخص بود از آن جمهوری که می بایست نه تنها شکل پادشاهی فرمانروائی طبقاتی بلکه خود فرمانروایی طبقاتی را نیز براندازد...»

نخستین فرمان کمون انقلابی دایمی و گماشتن مردم مسلح بجای آن بود که کمون از نمایندگان شورای شهر که برای حق انتخاب همگانی در حوزه های مختلف پاریس انتخاب شده بود تشکیل میشد این نمایندگان افراد مسول و وایگو و هر زمان قابل عزل بودند.

درین اثر در مورد نقش پولیس و مقامات قضایی که کمون آنرا در کردار بیاده نموده آمده است که «پولیس که

درباره راه رشد غیر سرمایه داری

(قسمت هشتم)

۱- راه رشد غیر سرمایه داری در مرحله آغاز.

این مرحله پیروزی انقلاب آزادی بخش ملی را در کشور های نو به استقلال رسیده در بر دارد که دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی لازم است. (الیانو فسکی). سولونیکف دانشمند شو روی عقیده دارد که در همین مرحله آغازین رشد غیر سرمایه داری به «انقلاب ضد استعماری به سمت انقلاب دموکراتیک» ملی سوق مییابد و در شرایط کنونی سبب می شود که این کشور ها به راه تکامل غیر سرمایه داری گام نهند.

محتوی مرحله آغازین رشد غیر سرمایه داری عبارت است از تضاد میان گرایش های ضد استعماری با برقرار ساختن نو استعمار که در شکل مبارزه برای انتخاب سمت گیری سوسیالیستی و یا رشد غیر سرمایه داری نمودار می گردد.

۲- مرحله دگر گونیهای ملی - دموکراتیک.

این مرحله را نقطه تلاقی آزادی ملی و آزادی اجتماعی و «قلب» راه رشد غیر سرمایه داری مینامند.

مرحله دگر گونیهای ملی - دموکراتیک نقطه چرخش رشد غیر سرمایه داری است تشدید تضاد میان گرایشهای

سوسیالیستی و گرایشهای سرمایه داری و گسترش مبارزه شدید میان نیرو های اجتماعی شاخص های عمده این مرحله است.

در زمینه اقتصادی مشخص کننده این مرحله فرو پاشی عمقی وابستگی های اقتصادی کهن و شکل گیری بنیاد های نوین اقتصادی میباشد. این مرحله سرشار از تضاد هاست و در نتیجه در این مرحله یادگر گونی های انقلابی ملی - دموکراتیک تحقق می پذیرند و یا اینکه گرایش در جهت رشد سرمایه داری بوجود می آید. بی جهت نیست که اندره یف دانشمند شوروی این مرحله را «لقل» تکه مل رشد غیر سرمایه داری مینامد.

۳- سومین مرحله رشد غیر سرمایه داری را میتوان مرحله بی دانیست که در آن مقامات گذار به ساختمان سوسیالیسم لیزم تکمیل می گردد.

در این مرحله محمل های عینی و ذهنی لازم برای گذار به سوسیالیسم لیزم تحکیم مییابد و بخش دولتی در صنایع کشاورزی و کوبرا سیون در دهات، به ستون فقرات این سیستم تبدیل می گردد و بلائین اسبون اقتصادی - اجتماعی تحکیم بیشتر می یابد (باقیادار)



